

بررسی مرجع امنیت در مکتب امنیتی امام خمینی علیه السلام

* سید محمدجواد قربی

** سید صدرالدین موسوی

چکیده

از آنجا که بومی‌سازی امنیت، شاخص‌سازی و تدوین راهبردهای امنیتی در ایران، منوط به بازاندیشی در مکتب امنیتی امام خمینی علیه السلام می‌باشد، در این مقاله مترصد هستیم تا به بررسی آراء و اندیشه‌های امام خمینی علیه السلام در باب امنیت بپردازیم و مراجع امنیت را در مکتب امنیتی ایشان مورد مذاقه قرار دهیم. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که مرجع امنیت در اندیشه امام خمینی علیه السلام در دو سطح ذهنی و عینی قابلیت بازشناسی دارد، به گونه‌ای که اسلام به مثابه مرجع اساسی امنیت در مکتب امنیتی امام خمینی علیه السلام محسوب می‌گردد و در ابعاد عینی، جمهوری اسلامی به مثابه ایده حکومت اسلامی، نهادهای دولتی (ولایت فقیه، قوای سه‌گانه و روحانیت) و مردم به مثابه پایگاه اجتماعی نظام سیاسی اسلام از مراجع امنیت در مکتب امنیتی امام خمینی علیه السلام محسوب می‌شوند.

واژگان کلیدی

امنیت، امام خمینی علیه السلام، مرجع امنیت، جمهوری اسلامی، مردم.

ghorbi68@yahoo.com

*. کارشناس ارشد اندیشه سیاسی اسلام.

mousavisadrodin@gmail.com

** دانشیار پژوهشکده امام خمینی علیه السلام و انقلاب اسلامی.

تاریخ پذیرش: ۹۳/۲/۱۶

تاریخ دریافت: ۹۲/۱۲/۲۳

مقدمه

امنیت^۱ یکی از ارزشمندترین و بالاترین ثروت‌ها به شمار می‌آید و برای هر دولت و ملت از قداست بالایی برخوردار است (ولی پور، ۱۳۸۳: ۱۹) و برقراری و ایجاد محیطی امن و با ثبات از جمله دغدغه‌های هر حکومتی تلقی می‌شود و داشتن یک جامعه باثبات، از مهم‌ترین وظایف دولت بوده است. (یزدانی و صادقی، ۱۳۸۹: ۴۸) در همین زمینه، امام خمینی علیه السلام دولت و مسئولان را موظف به تأمین امنیت نموده و می‌فرماید:

با هم برای این مملکت کار بکنید و در رأس برنامه‌تان، برای این بیچاره‌ها و این مستضعفینی که هستند، برای اینها کار بکنید. امنیت کشور را ایجاد بکنید. (امام خمینی، ۱۳۸۵: ۱۳ / ۲۰۶)

تأمین امنیت کشور ... از بزرگترین کارهای ارزشمند است که همه ما و همه کشور به آن مکلف هستیم. (همان: ۱۵ / ۱۰۸)

بررسی و تبیین امری مشکل است، همان‌گونه که «پاتریک مورگان»^۲ مدعی می‌شود: «امنیت مانند سلامتی و منزلت، نوعی شرایط است که به آسانی تعریف و تحلیل نمی‌پذیرد». (Morgan, 1992: 466) به هر روی، دو جزء مهم امنیت، رهایی از نیاز و ترس است، مفهومی که آیه «الذي اطعمهم من جوع و امنهم من خوف» (قریش / ۴) بر آن تکیه دارد. در بسیاری از متون، امنیت را معادل احساس امنیت و رهایی از هرگونه ترس، تردید، اضطراب و دغدغه خاطر، برخورداری از موقعیتی ایمن و مطمئن، محفوظ بودن در مقابله با خطر و غیره دانسته‌اند. (مجردی، ۱۳۹۱: ۲۱۴) بنابراین، اهمیت مقوله بنیادین امنیت در گذار از حوزه فردی و ورود به عرصه اجتماعی، به ویژه آنگاه که تأمین مطالبات و مصالح عمومی، تشکیل نهادی به نام دولت را ضرورت می‌بخشد، دو چندان می‌گردد. (عطارزاده، ۱۳۸۷: ۱۰۰) امام خمینی علیه السلام در این زمینه بیان می‌دارند:

مسلمانان هنگامی می‌توانند در امنیت و آسایش به سر برده، ایمان و اخلاق فاضله خود را حفظ کنند که در پناه حکومت عدل و قانون قرار گیرند، حکومتی که اسلام، نظام و طرز اداره و قوانینش را طراحی کرده است. (امام خمینی، ۱۳۷۵: ۱۵۰)

1. Security.
2. Patrick M.Morgan.

با توجه به کثرت بازیگران، ابزارها و شیوه‌های امنیتی و اهداف امنیتی، پدیده امنیت از حوزه کوچک و محدود مطالعات امنیتی خارج و از حصار خطر‌بینی و تهدیدمحوری آزاد می‌شود. بر همین قیاس، حوزه معنایی امنیت تفاوت می‌یابد و قلمروی به وسعت مرجع خویش، فرد یا جامعه پیدا می‌کند. (نویدنیا، ۱۳۸۸: ۲۱) در این میان، مرجع امنیت از جمله ارکان تحلیلی مفهوم امنیت در مکاتب و رهیافت‌های نظری مختلف است که در پاسخ به امنیت برای چه کسی یا امنیت برای چه چیزی شکل می‌گیرد و نقطه عزیمت بسیاری از مطالعات امنیتی است. مرجع امنیت، آن چیزی است که کنشگران امنیتی، آن را به مثابه مرجعی که در معرفی تهدیدات وجودی است و برای آن باید به تمهیدات اضطراری متوسل شد، معرفی می‌کنند و به همین دلیل، پاسخ به پرسش‌های مزبور، قلب هر نظریه امنیتی است. (ره پیک، ۱۳۸۷: ۵۰؛ امیرخانی، ۱۳۹۰: ۸۷)

مقاله حاضر سعی دارد به بررسی مرجع امنیت به مثابه قلب اندیشه‌های امام خمینی علیه السلام بپردازد و برای پاسخ به سؤالات پژوهش از روش تحلیل متن و رویکرد اسنادی - کتابخانه‌ای بهره گرفته خواهد شد.

تبیین و بررسی مفهوم امنیت

امنیت همانند مفاهیمی چون قدرت، عدالت و آزادی، هم‌زمان می‌تواند به صورت نظری، به مثابه امری عینی و یا به صورت عملی و به مثابه امری ارزشی یا هنجاری، مورد تحلیل قرار گیرد. (تقی لو و آدمی، ۱۳۸۹: ۳۹) این واقعیت که امنیت از جمله نیازهای اولیه زندگی انسان بوده و تاریخی به درازای سکونت بیشتر بر روی کره خاکی دارد، از پیشینه طولانی مطالعات امنیتی حکایت می‌کند. (افتخاری، ۱۳۸۱: ۳۳) از منظری دیگر، بشر در ادوار مختلف تاریخی با این سؤال اساسی روبرو بوده است که چگونه باید امنیت را به دست آورد؟ این سؤال به نوعی نشان‌دهنده اهمیت امنیت برای آحاد بازیگران سیاسی و ملت‌های تحت سیطره آنهاست. (قربی، ۱۳۹۰: ۶۶) در عین حال، امنیت یکی از مفاهیم نسبتاً بی‌معارضه و مفروضی است که طیف وسیعی از اعمال سیاسی، نظامی و اجتماعی را توجیه می‌کند. (کلمنتس، ۱۳۸۴: ۲۸۲) به همین دلیل است که «سیمون و فرانک» مدعی می‌شوند که

واژه امنیت به شدت از تعریف می‌گریزد و حتی عملیاتی کردن آن نیز دشوارتر است. (Frank And Simone, 1973: 35-41) این رویکرد را می‌توان در آراء باری بوزان مبنی بر «مورد اختلاف بودن امنیت» مشاهده نمود. (Buzan, 1997: 7) عناصر هنجاری در قلب مفهوم امنیت و فرعی بودن امنیت‌پژوهی در مطالعات روابط بین‌الملل بر این مورد اختلاف بودن دامن می‌زنند. (تریف و دیگران، ۱۳۸۳: ۱۱ - ۱۰)

امنیت در لغت از ریشه امن به معنای در امان بودن و مصون بودن از هرگونه تعرض و در آرامش و آسودگی بودن از هرگونه تهدید و ترس می‌باشد. (بخشی، ۱۳۸۸: ۱۹۰) از آنجایی که امنیت از واژه امن گرفته شده است و با آن، هم‌ریشه و دارای یک معنا می‌باشد، پس امنیت مترادف با در امان ماندن است و هنگامی ایمنی، آسودگی و خاطرجمعی عینیت می‌یابد که از عوامل و موجبات ترس و وحشت اثری نباشد. (صادقیان، ۱۳۸۴: ۷۰) امام صادق علیه السلام امنیت را یکی از دو نعمت برجسته و مهم در دنیا معرفی می‌کند. از نظر امام علی علیه السلام، امنیت زمینه‌ساز رشد مادی و رفاه در زندگی است؛ «رفاه در زندگی، در وضعیت امن به وجود می‌آید». از لحاظ معنوی نیز برقراری امنیت، زمینه را برای عبادت و ارتباط با خدا که هدف غایی زندگی انسان است، فراهم می‌سازد. (پرهیزکار، ۱۳۹۰: ۱۷۰؛ شاه حسینی، ۱۳۷۶: ۳۵۰) به همین منظور است که امام علی علیه السلام می‌فرماید: «نعمتی گواراتر از امنیت نیست». (رجبی‌پور، ۱۳۸۴: ۸۷) سازمان ملل، امنیت را چنین معرفی می‌کند: «اینکه کشورها هیچ‌گونه احساس خطر حمله خارجی، فشار سیاسی یا اقتصادی نکنند و بتوانند آزادانه گسترش و توسعه خویش را تعقیب نمایند». (آدمی و دیگران، ۱۳۹۰: ۷) «والتر لیپمان»^۱ در باب امنیت می‌نویسد: «وقتی یک ملت دارای امنیت است که در صورت اجتناب از جنگ بتواند ارزش‌های اساسی خود را حفظ کند و در صورت اقدام به جنگ، بتواند آنها به پیش ببرد». (Lippman, 1973: 150)

مدخل نظری؛ مرجع امنیت به مثابه قلب نظریه امنیتی

طرح امنیت توسعه یافته و تبدیل امنیت تک بعدی به امنیت چندبعدی و خطر گسترش بی‌مهابای موضوعات امنیتی، (عبداله خانی، ۱۳۸۹: ۱۲۸) زمینه را برای طرح اهداف

1. W.Lippman.

مرجع امنیت^۱ فراهم ساخت. به تعبیر «باری بوزان» کلیدی‌ترین پرسش در مطالعات امنیتی، مرجع امنیت است، بدین مضمون که باید مشخص شود امنیت چه کسی یا امنیت چه چیزی باید تأمین شود. (نصری، ۱۳۹۰: ۱۱۳) بدون شک، امنیت به عنوان یک مفهوم، به هدفی نیاز دارد که به آن استناد نماید و این مفهوم بدون پاسخ به امنیت برای چه، هیچ معنایی ندارد. (ربیعی، ۱۳۸۷: ۱۱۶) ممکن است در هر سطح، نوع یا مفهومی از امنیت، مرجع یا مراجع خاص مورد توجه قرار گیرند. به طور مثال، برخی از نظریات امنیتی به ویژه نظریات رئالیستی چه در سطح امنیت ملی و چه در سطح امنیت بین‌المللی، دولت^۲ را مرجع امنیت تلقی می‌نمایند. در نظریات امنیت انسانی^۳، بیشترین توجه در امنیت بر فرد متمرکز می‌باشد. (عصاریان نژاد، ۱۳۸۸: ۵۴ - ۵۳)

یک. دولت به مثابه مرجع امنیت

نظریه‌پردازان دولت‌گرا، دولت را به طور مشخصی به عنوان مرجع محوری امنیت مشخص کرده‌اند. (ربیعی، ۱۳۸۷: ۱۱۷) هدف دولت آن است که امنیتش تأمین شود و احتمال دارد بیشتر چشم‌اندازهای گوناگون امنیتی، دولت را به مثابه مرجع امنیت به کار گیرند. این موضوعات اتفافی نیست؛ زیرا دولت مهم‌ترین نهادی است که از طریق آن بشر به خود و جهان سازمان داده و بدین وسیله برای مشکلات مشترک جهانی راه حلی جستجو می‌کند. به هر حال چشم‌اندازهایی همچون رئالیسم، نئورئالیسم، نئونهادگرایی، مطالعات صلح، بر دولت به عنوان مرجعی که باید امنیتش تضمین شود تأکید می‌کنند. به لحاظ مفهومی، چشم‌اندازهایی که بر امنیت دولت‌محور تأکید دارند در دو گروه تقسیم‌بندی می‌شود: دیدگاه دولت‌محور محدود، دیدگاه دولت‌محور نامحدود؛ دیدگاه‌های دولت‌محور محدود، آنهایی هستند که تنها با دولت و نه دیگر سطوح یا واحدهای تحلیل، در ارتباط هستند. دیدگاه‌های دولت‌محور نامحدود، بر تأثیر دیگر سطوح بر دولت تأکید دارند و معتقدند که امنیت دولت باید از پنج بعد نظامی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی تأمین شود. (عسگری، ۱۳۸۲: ۳۹۲ - ۳۹۱)

1. Referent Of Security.
2. State.
3. Human Security.

دو. رژیم به مثابه مرجع امنیت

رژیم به معنای صاحبان قدرت، دیرینه‌ترین تلقی از مرجع امنیت را شکل می‌دهد که در قالب رئیس قبیله، پادشاه، امپراطور و در اعصار بعدی، طبقات ویژه‌ای که زمام امور را به دست گرفتند نیز در تاریخ تجلی یافته است. بر این اساس، اهمیت و محوریت این افراد، گروه‌ها یا طبقات در اجتماع سیاسی آن قدر زیاد بود که صیانت از ایشان (به عنوان نماد جماعت) با بسیج تمامی امکانات، اولویت نخست در معادلات امنیتی بود. (افتخاری و نصری، ۱۳۸۳: ۳۵)

این رویکرد رژیم‌گرایی، به «نیکول بال»^۱ تعلق دارد. به نظر وی، سیاست دولتی تعدادی از دولت‌های جهان سوم، ایمن نگاه داشتن مردم نمی‌باشد بلکه محافظت زورمندانه از امنیت نخبگان مدنظر است. در ادبیات این نحله فکری، رژیم امنیتی به گونه‌ای تعریف و تحدید می‌شود که هدف از آن، «صیانت از حکومت» و نه «صیانت از شهروندان» می‌باشد. این نوع گرایش در حال حاضر در نظام‌های توتالیتر و دولت‌هایی که مبتنی بر یک دموکراسی استوار نگشته‌اند، قابل مشاهده می‌باشد. (ربیعی، ۱۳۸۷: ۱۲۱)

سه. جامعه به مثابه مرجع امنیت

مرجع اصلی امنیت، نه فرد، دولت یا رژیم، بلکه جامعه عنوان می‌شود. این دیدگاه به جای تکیه بر اقتدار یا قدرت، امنیت اجتماعی و هویت را جانشین آن می‌کند و تحصیل امنیت را در گروهی تثبیت و تقویت عقاید، هنجارها و ارزش‌های اجتماعی و حفاظت از صورت‌بندی الگوهای سنتی، زبان، گویش، فرهنگ، ... و به طور خلاصه حفظ و تقویت ممیزه‌های هویت ملی جامعه و تداوم آن می‌داند. از دیدگاه جامعه‌گرایان، تأمین رضایت مردم، تحقق عدالت و برابری اجتماعی صرف نظر از تمایزات جنسیتی، جغرافیایی، طبقاتی، سنی، اقتصادی و غیره شرط لازم دستیابی به صلح و ثبات و دستیابی به امنیت پایدار تصور می‌شود و هرگونه سیاست و فعالیتی که جنسیت‌محور یا طبقه‌مدار باشد، نتیجه آن کاهش رضایتمندی همه‌جانبه مردم باشد، تهدید امنیت ملی حساب می‌شود. (کریمی و بابایی، ۱۳۹۰: ۵۰) باری بوزان، جامعه را به مثابه مرجع امنیت و امنیت جامعه‌ای^۲ را هم‌اندازه امنیت ملی لحاظ می‌کند. «ال ویور» از مرجعیت

1. Nicole Boll.

2. Societal Security.

گروه‌های مختلف جامعه و ضرورت توانمندسازی آنها برای صیانت از هویت، همبستگی، زبان و فرهنگ به عنوان موضوع و مرجع امنیت دفاع می‌کند. (نصری، ۱۳۹۰: ۱۱۶)

چهار. فرد به مثابه مرجع امنیت

این گروه، فرد را به عنوان مرجع امنیت معرفی می‌کند. طیف متنوعی از تهدیدات را می‌توان فهرست کرد که محور آنها فرد می‌باشد. «کن بوث» در همین ارتباط می‌گوید: رهایی از سلطه به معنای واقعی‌اش؛ یعنی آزادگذاشتن مردم از فشارهای فیزیکی و انسانی است که ایشان را از انجام هرآنچه که مایل به انجام آن هستند، باز می‌دارد. در واقع، رهایی از سلطه و نه قدرت یا نظم است که امنیت را برای ما به ارمغان می‌آورد. رهایی از سلطه از حیث نظری، همان امنیت است. در این نظریه، نقش افراد در تأمین امنیت ملی در سیاست‌گذاری‌های امنیت ملی مورد توجه قرار می‌گیرند. نهادهای مدنی و تشکل‌ها به عنوان نهادهای فروملی در درون ملت‌ها با نهادهای سایر ملت‌ها، به ایفای نقش می‌پردازند و به بازیگران فعال تبدیل می‌شوند. امنیت انسانی، نهادهای مدنی، حقوق بشر و حق شهروندی مفاهیمی هستند که به نقش‌های این نگرش شکل داده‌اند. تقابل بین امنیت فرد و امنیت دولت در صورت گسترش این رویکرد به طور جدی‌تر بروز خواهد یافت. دیدگاه‌های طرفدار دولت حداکثر و دولت حداقل ناشی از کشمکش قدرت بین فرد و دولت پدید آمده‌اند. (ربیعی، ۱۳۸۷: ۱۲۵) این رویکرد تأکید دارد که افراد باید نسبت به خشونت که منتهی به سرکوب و به حاشیه راندن آنها می‌شود، امنیت داشته باشند. (Terriff, 1992: 180-181)

پنج. جامعه جهانی به مثابه مرجع امنیت

این رویکرد، جامعه جهانی^۱ را به مثابه مرجع مستقل امنیت مورد تأکید قرار داده است و به همین دلیل، آن را می‌توان امنیت جهانی^۲ نامید. امنیت جهانی، از نقد جدی دو دیدگاه دولت‌محور و فردگرا در حوزه مطالعات امنیتی حاصل آمده و ویژگی بارز آن انتقال از کانون ملی به جهانی است. این مکتب، بر نقش جنبش‌های اجتماعی فراملی که حول ابتکارات اتخاذ شده در چارچوب‌های مشخص بی‌عدالتی و خطر پاگرفته است، تأکید فزاینده‌ای دارد.

1. Global / World Society.

2. Global Security.

بوزان به شکل‌گیری نوعی جامعه جهانی که می‌تواند به طور نسبی مستقل از دولت‌ها به کنش و واکنش بپردازد، اشاره کرده و معتقد است گرچه تحلیل‌ها و واقعیات دولت‌محورانه همچنان تداوم خواهند داشت و از آنها گریزی نیست، اما می‌بایست ذهن و تفکر خود را به روی نیروهای قدرتمند جامعه جهانی گشود. (پورسعید، ۱۳۸۹: ۳۸ - ۳۷) «ادوارد کلودزیج»^۱ معتقد است که تهدیدهایی در حال تکوین هستند که فراتر از بقا و امنیت کشور، بقا و امنیت بشریت را تهدید می‌کنند. بنابراین سیاست‌ها و طرح‌های امنیتی باید به گونه‌ای ترسیم و اجرا شوند تا کمینه‌سازی تهدیدهای متوجه زیستگاه بشر را هدف بنیادین خود قرار دهند. (کریمی و بابایی، ۱۳۹۰: ۵۵ - ۵۴)

مرجع امنیت از منظر مکتب امنیتی امام خمینی علیه السلام

یک. مرجع ذهنی؛ اسلام به مثابه مرجع اساسی امنیت

مرجع اصلی امنیت در آراء امام خمینی علیه السلام، اسلام است و در اسلام، منشأ امنیت خداست و تنها اوست که بر همه چیز تواناست، هیچ قدرتی جز به خواست خدا و از جانب او وجود ندارد و لذا هیچ مرجع امنیتی مستقل از اراده خدا وجود ندارد. این مکتب، سخن خدا که از طریق وحی در قالب دین اسلام و سند آن قرآن بر قلب پیامبر اعظم نازل شده است را مرجع تعیین‌کننده، شناسنده، تعریف‌کننده همه ابعاد زندگی انسان و از جمله امنیت می‌داند و بقیه مراجع امنیتی در طول آن هستند. (خسروی، ۱۳۹۱: ۲۷۴ - ۲۷۳) اسلام مرجع اصلی امنیت در بیانات و کلام امام راحل است:

برای اینکه حفظ ثغور اسلام است؛ حفظ نظام اسلام است؛ حفظ ثغور اسلام است. حفظ ثغور اسلام جزء فرایضی است که هیچ فریضه‌ای بالاتر از آن نیست؛ حفظ اسلام است. (امام خمینی، ۱۳۸۵: ۱۶ / ۴۶۵)

در جایی دیگر، ایشان حفظ اسلام را بزرگترین فریضه می‌دانند:

حفظ اسلام یک فریضه الهی است، بالاتر از تمام فرایض؛ یعنی، هیچ فریضه‌ای در اسلام بالاتر از حفظ خود اسلام نیست. (همان: ۱۵ / ۳۲۹)

1. Edward Klodziej.

ایشان ضمن اینکه حفاظت از اسلام و تأمین امنیت آن را از واجبات برمی‌شمارند، آن را از نماز و روزه مهم‌تر و همگان را مکلف به صیانت از اسلام تا پای جان می‌دانند:

ما مکلف هستیم که اسلام را حفظ کنیم. این تکلیف از واجبات مهم است؛ حتی از نماز و روزه واجب‌تر است. همین تکلیف است که ایجاب می‌کند خون‌ها در انجام آن ریخته شود. (امام خمینی، ۱۳۷۵: ۶۹)

اهمیت حفاظت از اسلام به حدی بوده است که ایشان در وصیت نامه خویش، مردم ایران را به پاسداشت آن دعوت نموده‌اند و در این مسیر، به سیره معصومین در صیانت از اسلام اشاره می‌کنند:

بر ملت عظیم‌الشأن ایران است که در تحقق محتوای آن به جمیع ابعاد و حفظ و حراست آن بکوشند که حفظ اسلام در رأس تمام واجبات است، که انبیای عظام از آدم علیه السلام تا خاتم النبیین صلی الله علیه و آله در راه آن کوشش و فداکاری جان‌فرسا نموده‌اند و هیچ مانعی آنان را از این فریضه بزرگ باز نداشته؛ و همچنین پس از آنان اصحاب متعهد و ائمه اسلام علیهم السلام با کوشش‌های توان‌فرسا تا حد نثار خون خود در حفظ آن کوشیده‌اند. و امروز بر ملت ایران، خصوصاً و بر جمیع مسلمانان، عموماً، واجب است این امانت الهی را که در ایران به طور رسمی اعلام شده و در مدتی کوتاه نتایج عظیمی به بار آورده، با تمام توان حفظ نموده و در راه ایجاد مقتضیات بقای آن و رفع موانع و مشکلات آن کوشش نمایند. (امام خمینی، ۱۳۶۸: ۱۸)

دو. مراجع عینی امنیت در مکتب امنیتی امام خمینی علیه السلام

مرجع امنیت به معنای عینی آن در مکتب امنیتی امام خمینی علیه السلام را می‌توان در ایده حکومت، نهادها، پایگاه‌های اجتماعی و ملت‌های مستضعف جهان مشاهده کرد که در ادامه اشاره می‌گردد.

۱. جمهوری اسلامی به مثابه ایده حکومت

امام خمینی علیه السلام جمهوری اسلامی را به عنوان ایده حکومت، یک رژیم متکی بر آراء مردم، فراندم و قانون اساسی می‌داند و بیان می‌دارند که قوانین منطبق با اسلام نیز بر جامعه حکم خواهد راند:

رژیم اسلامی و جمهوری اسلامی، یک رژیمی است متکی بر آرای عمومی و فراندم عمومی و قانون اساسی‌اش قانون اسلام و باید منطبق بر قانون اسلام باشد؛ و قانون اسلام مترقی‌ترین قوانین است. (امام خمینی، ۱۳۸۵: ۳ / ۵۱۵)

ایشان علاوه بر تأکید بر قانون در حکومت جمهوری، لزوم استقرار مجلس ملی از طریق رأی مردم، حقوق مساوی مردم و روابط حسنه با دولت‌های جهان، بر جمهوری اسلامی به عنوان «ساختمان حقیقی و واقعی کشور» تأکید دارند:

در این جمهوری یک مجلس ملی، مرکب از منتخبین واقعی مردم، امور مملکت را اداره خواهند کرد. حقوق مردم - خصوصاً اقلیت‌های مذهبی - محترم بوده و رعایت خواهد شد. با احترام متقابل نسبت به کشورهای خارجی عمل می‌شود. نه به کسی ظلم می‌کنیم و نه زیر بار ظلم می‌رویم. کشور در حال حاضر ورشکست شده است و همه چیز از بین رفته است. با استقرار جمهوری اسلامی ساختمان واقعی و حقیقی کشور شروع خواهد شد. (امام خمینی، ۱۳۸۵: ۴ / ۲۴۴)

ایشان جمهوری اسلامی را برخلاف سایر رژیم‌های سلطنتی و دیکتاتوری، «ضامن استقلال و آزادی» می‌دانند و هرگونه آسیب به آن را سبب تباهی کشور و مهم‌تر از آن، تباهی اسلام می‌دانند و هرگونه کوتاهی در محافظت از جمهوری اسلامی را از «اعظم کبایر و بالاترین خیانت‌ها» محسوب می‌کنند؛ زیرا اسباب تباهی ملت، دولت و اسلام را به همراه خواهد داشت. (همان: ۲۶۲)

از آنجایی که اسلام به عنوان مرجع اصلی امنیت در اندیشه امام می‌باشد، ابزار و عامل اساسی صیانت و اجرایی شدن اسلام از مهم‌ترین ارکانی است که امنیت آن باید تضمین شود:

اگر حفظ اسلام جزء فریضه‌های بزرگ است و بزرگترین فریضه است، بر همه ما و شما و همه ملت و همه روحانیون حفظ این جمهوری اسلامی از اعظم فرایض است. (همان: ۱۵ / ۳۲۹)

امام راحل حفظ و صیانت از جمهوری اسلامی را یک امر عقلی و شرعی واجب می‌دانند:

مسئله حفظ نظام جمهوری اسلامی ...، از اهم واجبات عقلی و شرعی است که هیچ چیز به آن مزاحمت نمی‌کند؛ و از اموری است که احتمال خلل در آن عقلاً منجز است. (همان: ۱۹ / ۱۵۳)

ایشان جمهوری اسلامی را به مثابه نماد عینی اسلام در حال حاضر می‌دانند و در جمله‌ای، جمهوری اسلامی را همان اسلام می‌دانند که باید همچون امانتی در حفظ آن کوشا باشیم:

الآن جمهوری اسلامی؛ یعنی اسلام، و این امانتی است بزرگ که باید از آن حفاظت کنید. مطمئن باشید که پیروزید و مورد توجه حق تعالی. پیروزی آن است که مورد توجه حق تعالی باشید، نه این که کشوری را بگیرید. اسلام در دست ما امانت است و ما موظفیم تا این امانت را حفظ کنیم. (همان: ۱۷۳)

به همین دلیل است که امام راحل، عدم حفظ و استقرار آن را با منزوی شدن اسلام برابر می‌دانند:

اگر این جمهوری اسلامی از بین برود، اسلام آن چنان منزوی خواهد شد که تا آخر ابد - مگر در زمان حضور حضرت - نتواند سرش را بلند کند. (همان: ۱۶ / ۱۳۹)

امام علیه السلام جمهوری اسلامی را در یک جغرافیای خاص یا مرز عقیدتی خاصی محصور نمی‌کنند بلکه آن را ایده و نمودی برای همه بشریت می‌دانند:

ما که نهضت کردیم، برای اسلام نهضت کردیم؛ جمهوری اسلامی است؛ نهضت برای اسلام نمی‌تواند محصور باشد در یک کشور، و نمی‌تواند محصور باشد در حتی کشورهای اسلامی. نهضت برای اسلام، همان دنباله نهضت انبیاست. نهضت انبیا برای یک محل نبوده است. (همان: ۱۰ / ۴۴۶)

بنابراین، صیانت و حفظ جمهوری اسلامی در تمامی ممالک اسلامی و حتی در سطح جهان لازم است؛ زیرا باید از نهضت‌های منبعث از اسلام و حکومت‌های آنها حمایت نمود و امام بر این امر، اعتقاد راسخی داشتند و حمایت‌های گفتاری ایشان از دولت‌های آزاده و ملت‌های مستضعف گواهی بر این مدعاست.

۲. نهادهای دولت اسلامی

امام علیه السلام به حفظ نظام اسلامی اهمیت ویژه‌ای می‌دادند که این امنیت‌سازی، منوط به تأمین امنیت در نمودهای نهادی در دولت اسلامی است که مهم‌ترین آنها عبارتند از:

۲ - ۱. ولایت فقیه به مثابه هسته مرکزی نظام اسلامی و نمود نهادی دولت اسلامی
اولویت و اصالت مرجع بودن اسلام، موجب می‌شود تا در زمان غیبت امام معصوم، رهبری

از واجبات مؤکد است و این واجب جز با وجود والی و حکومت به انجام نخواهد رسید. (امام خمینی، بی تا: ۲ / ۴۶۱)

بنابراین، از نظر امام خمینی علیه السلام حمایت و صیانت از فقیه، همان صیانت از نظام اسلامی است؛ «اسلام اطاعت فقیه را واجب دانسته است، و من امر می‌کنم به شما که اطاعت کنید از ما فوق‌های خود، و حفظ نظام را بکنید». (امام خمینی، ۱۳۸۵: ۱۰ / ۳۲۷)

امام بر این اعتقاد بودند که نباید از فرمان حاکم و حکومت اسلامی سرپیچی نمود و در صورت عدم پیروی از دولت و حاکم اسلامی، آسیب وارد بدنه جامعه می‌گردد:

از نظم اسلامی بیرون برویم، از تحت فرمان حکومت اسلام بیرون برویم، از فرمان خدا بیرون برویم، آسیب می‌بینیم. (همان: ۱۱ / ۵۰۴)

امام در بیاناتی مردم را موظف به حمایت از نهادهای اسلامی می‌دانند؛ زیرا مانع آسیب‌پذیری جامعه خواهند بود. مبرهن است که یکی از نهادهای اساسی در حکومت اسلامی، ولایت فقیه است:

و دشمنان کوردل این کشور بدانند که با توطئه‌ها و شیطنت‌ها نخواهند توانست کشور اسلامی را آسیب رسانند. و ملت ما تا پای جان در خدمت به اسلام حاضر، و در پشتیبانی از نهادهای اسلامی مصمم هستند. (همان: ۱۳ / ۱۰۹)

۲ - ۲. نهاد قوای سه‌گانه

امام علیه السلام به قوای سه‌گانه و وظایف کاربردی آنها اهمیت زیادی می‌دهند و با توجه به اهمیت آنها برای نظام سیاسی، معتقدند که مردم باید پشتیبان و محافظ قوای مملکتی باشند؛ زیرا پشتیبانی و تأمین امنیت قوه‌های قضائیه، مقننه و مجریه بسیار ارزشمند است و به عبارتی، همان پشتیبانی از اسلام است؛ چراکه آنها برای اسلام خدمت می‌کنند و تأمین امنیت و حمایت از کارگزاران و خادمین اسلام به مثابه حمایت از خود اسلام است:

بحمد الله کشور ایران در عین حالی که آن همه مواجه با مخالفت‌ها است، چه در سطح خارج و چه گاهی در داخل، دارد راه خودش را قویاً طی می‌کند. دولت با تمام قدرت دارد کاری که برای خداست طی می‌کند. قوه قضایی با تمام قدرت دارد دستگاه قضایی را اصلاح می‌کند. مجلس با تمام قدرت دارد کارهایی

که به عهده اوست انجام می‌دهد. ملت هم باید همه اینها را تقویت کند. پشتیبان مجلس، پشتیبان قوه قضایی، پشتیبان دولت یعنی پشتیبان اسلام، اینها برای اسلام دارند خدمت می‌کنند. (امام خمینی، ۱۳۸۵: ۱۷ / ۵۳۴)

ایشان علاوه بر اهمیت دادن به قوای سه‌گانه، تأکید دارند که هر کدام از آنها باید کار خویش را انجام بدهند و به تفکیک و استقلال قوا اعتقاد دارند؛ زیرا دخالت در امور سایر قوا را موجب تزلزل در امور حکومت و ملت می‌دانند:

مجلس آن وظایفی را که قانون برایش معین کرده همان را درست بکند، دیگر مجلس دخالت نکند در اجرا، و قوه مجریه در قوه مقننه و هر دو در قوه قضاییه. قوای قضایی سر جای خودشان کار قضایی‌شان را انجام بدهند و این کار مهمی است. قوای مقننه باید کار تقنینشان را انجام بدهند و این کار مهمی است. دولت مجری است باید کار خودش را انجام بدهد و آن هم کار مهمی است. ارتش باید کار خودش را انجام بدهد به آن حدودی که موظف است و این کار مهم است. اگر بنا باشد هر کدام در کار دیگر دخالت بکنند که این مملکت نمی‌شود. (همان: ۱۳ / ۶۲)

امام راحل برای هر یک از قوا نقش و کارویژه‌های اساسی قائل هستند و به همین دلیل سیانت و تأمین امنیت هر یک از قوا مهم می‌باشد؛ زیرا این نهادهای سه‌گانه در تلاش برای اسلامی کردن و پیاده‌سازی اسلام در جامعه هستند:

قوه مقننه و قضاییه و اجراییه با زحمات جانفرسا کوشش در اسلامی کردن این کشور می‌کنند و ملت ده‌ها میلیونی نیز طرفدار و مددکار آنان هستند. (همان: ۲۱ / ۴۱۰)

علت این مددکاری و حمایت مردم این است که حفظ اسلام مهم است و در صورت صدمه دیدن این قوا، شکست نظام اسلامی به وجود خواهد آمد و در همین راستا، مردم و تمامی شهروندان جامعه اسلامی مکلف به تقویت قوای مقننه، قضائیه و مجریه هستند و در این مسیر باید نهایت همکاری، برادری و انسجام حفظ شود:

بین خودتان برادر باشید، حفظ کنید این برادری را، با حفظ برادری شما به اینجا رسیدید و با حفظ برادری باید جلو بروید ... اگر - خدای نخواست - یک

وقت یک خللی واقع بشود شکست همراه اوست. شما فکر این را بکنید که حافظ اسلامید، نه حافظ خود. شما باید حفظ اسلام را بکنید، آن هم نه در زمان خود، همان طوری که انبیاء عظام دنبال این بودند که بعد از خودشان تا آخر حافظ باشند، تکلیف است برای همه ما که ما این جمهوری که به اینجا رسیده است تا آخر حفظ کنیم. تا آخر حفظ کردن این است که هر روز محکم کنیم برادری خودمان را، سر اغراض جزئی که زود می‌گذرد، لطمه‌ای خدای نخواسته به اسلام وارد نکنیم، لطمه‌ای به جمهوری اسلام وارد نکنیم. اشکال اگر هست به من و دیگران، اشکال را باید گفت، لکن نباید تضعیف کرد دولت را، نباید تضعیف کرد قوه مقننه را، قوه قضاییه را، روحانیت را، اینها جرم است، اینها گناه نابخشودنی است. (همان: ۲۰ / ۵۶)

یکی از راه‌های تأمین امنیت و حفاظت از قوای سه‌گانه، حضور و فعالیت مردم است و به همین دلیل، امام راحل مردم را به حضور در صحنه و مشارکت تشویق می‌کردند تا تمامی قوای مملکتی بتوانند فعالیتشان را به درستی در اوج آرامش انجام دهند:

من عرض می‌کنم که هم علما این مطلب را همیشه به مردم گوشزد کنند و هم مبلغین گوشزد کنند که این حضور شما در صحنه و پشتیبانی شما از جمهوری اسلامی و از مجلس و از دولت و از قوه قضائیه و از ارتش و از سپاه پاسداران و همه، این رمز پیروزی است که عاید شما شده است و به شکرانه نعمت پیروزی، مردم را دعوت کنید به اینکه در صحنه باشند. (همان: ۱۷ / ۲۰)

امام علیه السلام بر اهمیت پشتیبانی مردم نسبت به قوای سه‌گانه و بالعکس به عنوان یکی از شیوه‌های ثبات و آرامش در جامعه می‌نگریستند که امکان صدور انقلاب را فراهم می‌آورد. (همان: ۲۸۳)

ایشان در خصوص قوه مقننه معتقدند که: «قوه مقننه ما قوه‌ای است که صالح است و اکثر افرادش، افراد متعهد هستند و همه‌شان از همین جمعیت ملت هستند و از آن کاخ‌نشین‌ها نیستند». (همان: ۱۳ / ۱۱۱) به همین دلیل بر لزوم تأمین امنیت آنها تأکید داشته‌اند و مدعی می‌گردند که مجلس یکی از مراجع تهدید در نظام جمهوری اسلامی است و باید در حفاظت و تأمین امنیت آن دقت کرد:

این یکی از مسائل مهم است، مجلس الآن یکی از مسائل مهم است و حتماً

بدانید هدف است مجلس، از اول هم بوده. مجلس هدف است - و شما باید آنجا راه، یک اشخاصی که می‌خواهند حفاظت آنجا را بکنند، یک اشخاصی باشند که صد در صد بشناسید اینها را؛ بدانید که اینها که می‌خواهند حفاظت کنند، چه اشخاصی هستند. (همان: ۱۵ / ۲۰۳)

امام بر تأمین امنیت قوه مجریه و دولت توسط مردم تأکید ویژه‌ای داشتند و بارها بر این امر اشاراتی داشته‌اند:

دولت و ملت بایستی یکی باشند تا اگر گرفتاری و پیشامدهایی که برای دولت و مملکت پیش می‌آید، مردم از دولت پشتیبانی نمایند. (همان: ۱ / ۱۲۲)

در جایی دیگر می‌فرمایند:

هر مشکلی که برای دولت پیش بیاید، ملت قدم می‌گذارد جلو برای حل او. (همان: ۹ / ۳۲۹)

ایشان بر لزوم تأمین حمایت و پشتیبانی از دولت در برابر تهدیدات و مشکلات بیاناتی داشته‌اند و تأکید داشته‌اند که باید از دولت در برابر تمامی امور اجرایی پشتیبانی کرد و با یک تلاش همگانی آسیب‌ها و مشکلات آن را مرتفع ساخت: «ما از دولت پشتیبانی می‌کنیم و کمک هم می‌نماییم». (همان: ۱ / ۱۲۲) در کنار سایر قوا، امام راحل بر تقویت قوه قضائیه نیز هم توجه داشتند:

کشور امروز مال خود شماست و خود شما باید اداره کنید. قوه قضائیه امروز قوه قضائیه اسلامی است و رو به اسلام دارد می‌رود و باید خود علمای اسلام این را تقویت کنند. (همان: ۱۸ / ۲۲۱)

علت تأمین امنیت قوه قضائیه و حراست از آن، میزان اهمیت این بخش و کارویژه‌های آن است که در صورت اختلال می‌تواند مشکلات بزرگی را به همراه آورد:

قوه قضائیه باید توجه بکند که سر و کارش با جان و مال مردم است، نوامیس مردم، سر و کار این با آنهاست و باید افراد صالح در آنجا باشند، سالم باشند و توجه بکنند که خطای قاضی بزرگ است، عمدش مصیبت‌بار است، خطایش هم بزرگ است، باید خیلی در این معنا توجه کنند. (همان: ۱۷ / ۳۷۹)

به همین دلیل است که امام نسبت به قوه قضائیه ملاحظات خاص خویش را دارند و به «نقش پشتیبانی کننده مردم از قوه قضائیه» اشاره دارند. (همان: ۳۸۱)

۲ - ۳. نهاد روحانیت

امام علیه السلام از روحانیت به عنوانه «پشتوانه مملکت» (همان: ۱ / ۱۱۷) یاد می‌کنند و بر نقشه‌های شوم مبنی بر نابودی روحانیت اشارات بی‌شماری دارند. (همان: ۱۱۵) ایشان در زمینه خصال و توانمندی‌های نهاد روحانیت چنین بیان می‌دارند که:

روحانیت اسلام تا این لحظه از تاریخ حیات درخشان خود در خدمت اسلام و مسلمان‌ها بوده و در راه دفاع از دین خدا و حقوق ملت‌ها مجاهده و مبارزه کرده است و در مواقع لزوم مردم را متوجه خطرهایی کرده که علیه اسلام و استقلال کشورهای اسلامی مطرح بوده است و در برابر فشارها، قلدری‌ها و تهدیدهایی که از جانب ستمکاران و حاکمان جائر بر روحانیت وارد شده عقب‌نشینی نکرده و سکوت را جایز نشمرده است و با ارباب و تهدید از وظایف خود دست نکشیده و تسلیم جباران نشده است. روحانیان را با تهدید و قلدری نمی‌توان در برابر سلطه و قدرت ظلمه و ستمکاران مرعوب کرد. روحانیان از سرنیزه جباران و جنایتکاران نمی‌ترسند و از وظایف خود دست نمی‌کشند. (همان: ۱۵۸)

امام راحل از روحانیت به عنوان قشری یاد می‌کند که پاسدار اصلاح حال ملت، بقای استقلال مملکت، حفظ قوانین اسلام، مقابله‌گر با متجاوزین و پشتیبان ملت می‌باشند:

روحانیون نظری جز اصلاح حال ملت و بقای استقلال مملکت ندارند. و حفظ قوانین اسلام و قانون اساسی، به آن جهت که ضامن حفظ مذهب جعفری و قوانین اسلام است، سرلوحه مرام آنهاست. و هر کس قصد تجاوز به حریم اسلام و قوانین مقدسه آن داشته باشد، در هر لباس و مقام که باشد، روحانیت به پشتیبانی از شما برادران ایمانی و ملت بزرگ اسلام در نصیحت یا مقابله با او کوشش خواهد کرد. (همان: ۱۸۰)

با وجود این کارویژه‌ها می‌باشد که نهاد روحانیت مورد تهدید گروه‌های معاند قرار دارند و به علت ثمرات زیاد آنها برای جامعه اسلامی، امام بر لزوم حفاظت و تأمین امنیت جانی، آبرویی و مالی آنها تأکید دارند. (همان: ۱۸۱) به همین دلیل، امام بر تأمین امنیت و صیانت از

این نهاد حمایت نموده‌اند: «تا سر حد امکان مراکز روحانیت را حفظ نموده، امر به آرامش و سکوت می‌نماییم». (همان: ۱۸۲)

یکی از دلایلی که نهاد روحانیت یکی از مراجع امنیت در اندیشه امام محسوب می‌شود این است که هرگونه آسیب روحانیت، زمینه آسیب به اسلام را فراهم می‌کند: «اینها از آن وقت نقشه کشیدند برای نابودی روحانیت و دنبالش نابودی اسلام». (همان: ۲۰۸) امام توطئه‌های دشمنان را خطری جدید علیه روحانیت می‌پندارند و بر جدیت در تأمین امنیت آنها تأکید دارند و همگان را به حفظ این «ودیعه الهی» دعوت می‌کنند:

... اساس روحانیت و استقلال آن را سخت تهدید می‌کند و بر ماست که با کمال جدیت با آن مبارزه کنیم و نگذاریم این ودیعه الهی در عهد ما پایمال هوس‌های از خدا بیخبران شود. کوشش کنید در آگاه کردن ملت از نقشه‌های شوم دشمنان اسلام. (همان: ۲ / ۳۳۴)

ایشان در جایی دیگر درباره دفاع از مقام شامخ روحانیت می‌فرمایند:

از مقام شامخ روحانیت دفاع کنند و از تفرق و اختلاف احتراز کنند، ... و بر طبقات جوان است که در حفظ روحانیت و روحانیون معظم کوشا باشند. (همان: ۳ / ۲۰۵)

۳. پایگاه‌های اجتماعی نظام اسلامی

۳ - ۱. مردم به مثابه ولی نعمتان نظام اسلامی

امام خمینی علیه السلام مردم را «عامل استقرار نظام» می‌دانند (امام خمینی، ۱۳۷۵: ۱۵۰) و بیان می‌دارند:

اسلام را که مکتب جهاد و دین مبارزه است در اختیار مردم قرار دهید تا عقاید و اخلاق خودشان را از روی آن تصحیح کنند، و به صورت یک نیروی مجاهد، دستگاه سیاسی جائر و استعماری را سرنگون کرده، حکومت اسلامی را برقرار سازند. (همان: ۱۳۳)

در عین حال اعتقاد دارند که:

باید حکومتی تشکیل دهیم که امانتدار مردم باشد؛ مردم به او اطمینان داشته باشند، و بتوانند سرنوشت خود را به او بسپارند. ما حاکم امین می‌خواهیم تا

امانتداری کند، و ملت‌ها در پناه او و پناه قانون آسوده خاطر به کارها و زندگی خود ادامه دهند. (همان: ۱۴۰)

مردم یا ملت از دیدگاه امام خمینی عامل پیروزی هستند و پشتیبانی آنها عامل برتری بر نظام سلطه خواهد شد به همین دلیل، همه مسئولین باید خدمتگذار مردم باشند و از هرگونه اشکال تراشی و ایجاد زحمت برای آنها امری برخلاف شرع محسوب می‌شود:

باید همه خدمتگذار ملت و خصوصاً مستضعفان باشید، و ایجاد زحمت برای مردم و مخالف وظیفه عمل کردن حرام و خدای نخواستگه گاهی موجب غضب الهی می‌شود، همه شما به پشتیبانی ملت احتیاج دارید. با پشتیبانی مردم خصوصاً طبقات محروم بود که پیروزی حاصل شد و دست ستمشاهی از کشور و ذخائر آن کوتاه گردید. و اگر روزی از پشتیبانی آنان محروم شوید، شماها کنار گذاشته می‌شوید و همچون رژیم شاهنشاهی ستمکار به جای شما ستم‌پیشگان پست‌ها را اشغال می‌نمایند. بنابر این حقیقت ملموس، باید کوشش در جلب نظر ملت بنمایید و از رفتار غیر اسلامی - انسانی احتراز نمایید. (امام خمینی، ۱۳۶۸: ۵۴)

ایشان در ادامه، شرط حکومت را تابعیت از مردم می‌دانند: «ما باید تابع ملت باشیم». (امام خمینی، ۱۳۸۵: ۶ / ۳۵۴) این تابعیت را می‌توان در نقش مردم در گزینش رئیس جمهور، مجلس و وزیران مشاهده نمود. (همان: ۱۴ / ۱۲۴) امام در یک جمع‌بندی از حکومت اسلامی، آن را به «حکمرانی آراء ملت» تشبیه می‌کنند که هیچ گریز و سرپیچی از حکم ملت وجود ندارد. (همان: ۱۶۵) با این تفاسیر، جمهوری اسلامی ایران با مردم پیوند و ارتباطی وثیق برقرار کرده است که بدون آن، ثبات و کیان خویش را از دست خواهد داد و به همین دلیل، حمایت و صیانت از پایگاه اجتماعی نظام سیاسی، یعنی مردم حائز اهمیت است و امام بر وجوب شرعی و عقلی این امر تأکید نموده‌اند:

شما باید به مَرّ اسلام، هم تکلیف شرعیتان است، هم حکم عقل است که ما باید حفظ کنیم مردم را. (همان: ۱۷ / ۲۵۳)

امام خمینی علیه السلام معتقدند که باید مردم را حفظ کرد؛ زیرا آنها «نعمت‌های الهی هستند و حفظ نظام سیاسی منوط به حفظ مردم است؛ زیرا اگر حکومت بتواند مردم را صیانت نماید همین مردم از نظام در برابر تهدیدات دفاع می‌کنند:

باید جویری باشید که مردم مثل مادر شما را در آغوش بگیرند. الآن این جورند مردم، این را حفظش کنید. مملکتان با این ترتیب حفظ خواهد شد. هر روزی برای مملکت مشکل پیدا می‌شود، حلالش خود مردم [باشند] الآن این مشکلی برای کشور ما پیدا شده، خوب مردم دارند کمک می‌کنند. حلالش خود این مردم هستند. این پشتیبانی‌های عظیمی که مردم می‌کنند و آن حضوری که خودشان دارند و خودشان هست. از خودشان می‌دانند همه چیز را. ارتش را از خودشان می‌دانند. همه چیز را از خودشان می‌دانند. این باید حفظ بشود تا حفظ بشویم. تا کشورتان حفظ بشود. و اگر خدای نخواست، این از دست ما برود، ما برمی‌گردیم به آن طوری که اول بودیم. و من خوف این را دارم که ما نعمتی را که خدا به ما داده است، و همه اینها از جانب خدای تبارک و تعالی بوده است ما کُفران این نعمت را بکنیم، و عنایت خدا از ما منحرف بشود. ما خودمان اسباب این بشویم و ما بدتر از آنکه بودیم بشویم. (همان: ۱۳ / ۳۸۸)

ایشان در جایی دیگر می‌فرمایند: «مردم را در صحنه حاضر نگه دارید که آنچه انقلاب و ایران را حفظ کرده حضور مردم در صحنه است». (همان: ۱۷ / ۴۵۳)

بنابراین از آنجایی که مردم و پشتیبانی آنها مانع آسیب دیدن نظام می‌شود، باید سعی نمود از مردم، پشتیبانی آنها و همکاری قوا با مردم و بالعکس حمایت کرد تا از شکست جمهوری اسلامی در مقابل دشمنان جلوگیری شود:

همه می‌دانید و باید بدانیم مادامی که ملت، پشتیبان مجلس و دولت و قوای مسلح هستند و دولت و مجلس و قوای مسلح در خدمت ملت به‌ویژه قشرهای محروم می‌باشند، و جلب رضای خداوند را در این خدمت متقابل، می‌نمایند، هیچ قدرتی توانایی آسیب رساندن به این نظام مقدس را ندارد، و اگر خدای نخواست یکی از این دو یا هر دو از خدمت متقابل دست بردارند شکست جمهوری اسلامی و اسلام بزرگ، اگر چه در دراز مدت، حتمی است. (همان: ۳۹۱)

۳ - ۲. مستضعفان و پابرهنگان جامعه

امام خمینی علیه السلام بر حمایت از مستضعفان و پابرهنگان جامعه تأکید ویژه‌ای دارند و عدول از این امر را برابر با عدول از اسلام و عدالت اجتماعی می‌دانند:

بررسی مرجع امنیت در مکتب امنیتی امام خمینی علیه السلام □ ۱۰۳

حمایت از محرومین و پابرنه‌هاست؛ چراکه هر کسی از آن عدول کند از عدالت اجتماعی اسلام عدول کرده است. (همان: ۲۱ / ۹۹)

در عین حال، رسیدگی به امور مستضعفان از دیدگاه امام یکی از عبادت‌های بزرگ است:

شما بدانید که رسیدگی به امور مستضعفان ... که اینها بندگان خدا هستند و خداوند به آنها عنایت دارد، از عبادات بزرگ است. (همان: ۱۵ / ۳۸۵)

امام راحل، تأمین امنیت و حمایت از مستضعفان را صرفاً به عرصه ملی محدود نمی‌کنند و دفاع از ملت‌های اسلامی و مستضعفین جهان را خواستارند:

انگیزه ملت و قوای مسلح اسلامی ایران دفاع از اسلام و قرآن کریم به نفع ملت‌های اسلامی و مستضعفان جهان است. (همان: ۲۳۹)

ایشان دلیل این حمایت و صیانت از مستضعفان را، زمینه‌سازی برای تشکیل حکومت عدالت‌محور می‌دانند. به عبارتی دیگر، امام راحل تشکیل حکومت مستضعفان را زمینه تحقق «حکومت جهانی مهدوی» می‌دانند:

حکومت مستضعفان برپا و زمینه برای حکومت جهانی مهدی آخر الزمان - عجل الله تعالی فرجه الشریف و ارواحنا لتراب مقدمه الفداء - مهیا خواهد شد. (همان: ۳۴۹)

از همین روی، ایشان یک فراخوان عمومی برای حمایت و پشتیبانی از مستضعفین در چنگال ظالمین می‌دهند: «پیاخیزید و از مظلومان جهان و مستضعفان گرفتار در چنگال مستکبران پشتیبانی کنید». (همان: ۱۱ / ۳۷۵)

امام معتقدند: «همان طور که اسلام این طور می‌گوید، اسلام برای مستضعفین آمده است و اول نظرش به آنها هست». (همان: ۸ / ۲۰۰) همین امر، توجیه حمایت و تأمین امنیت مستضعفین است:

ما به پیروی از اسلام بزرگ، از جمیع مستضعفین حمایت می‌کنیم؛ و از شما و هر سازمانی در جهان که برای نجات کشور خویش بپا خاسته است پشتیبانی می‌کنیم. (همان: ۱۱ / ۱۱۱ - ۱۱۰)

در همین راستا است که امام راحل اعتقاد به حمایت جهانی از مستضعفان دارند و توصیه می‌کند که حمایت از پابرهنگان و مستضعفان جهانی باید سرلوحه اصول سیاست خارجی کشور قرار گیرد:

من به صراحت اعلام می‌کنم که جمهوری اسلامی ایران با تمام وجود برای احیای هویت اسلامی مسلمانان در سراسر جهان سرمایه‌گذاری می‌کند. و دلیلی هم ندارد که مسلمانان جهان را به پیروی از اصول تصاحب قدرت در جهان دعوت نکند و جلوی جاه‌طلبی و فزون‌طلبی صاحبان قدرت و پول و فریب را نگیرد. ما باید برای پیشبرد اهداف و منافع ملت محروم ایران برنامه‌ریزی کنیم. ما باید در ارتباط با مردم جهان و رسیدگی به مشکلات و مسائل مسلمانان و حمایت از مبارزان و گرسنگان و محرومان با تمام وجود تلاش نماییم. و این را باید از اصول سیاست خارجی خود بدانیم. ما اعلام می‌کنیم که جمهوری اسلامی ایران برای همیشه حامی و پناهگاه مسلمانان آزاده جهان است. (همان: ۲۱ / ۹۲)

نتیجه

امام خمینی علیه السلام برای مقوله امنیت اهمیت ویژه‌ای قائل هستند و در بیانات و آثار خویش به راهبردهای دست‌یابی به آن اشاراتی داشته‌اند. مکتب امنیتی امام خمینی علیه السلام به طور کامل منبعث از مکتب امنیتی اسلام است و ایشان معتقدند که اگر از مکتب اسلام پیروی گردد، آزادی، سعادت، نجات، استقلال و امنیت حاصل می‌گردد و ناامنی و انحرافات از جامعه دور خواهد شد. ایشان مکتب اسلام را سرمنشأ امنیت بشری می‌دانند. ایشان دامنه تهدیدات را بسیار فراخ می‌دانستند که علاوه بر حوزه‌های خارجی و عوامل بیگانه، عوامل و تهدیدات داخلی هم شامل می‌شد. ایشان مرز امنیت را نه در حوزه ملی، بلکه در جهان بشریت می‌دیدند و ضمن تأکید بر امنیت در سطح ملی، امنیت جهان اسلام را مدنظر داشتند.

به هر روی، مرجع امنیت در اندیشه امام خمینی علیه السلام، شامل ابعاد مختلفی است که در این میان، مرجع اصلی در آراء و بیانات، تقریرات و کنش‌گفتاری ایشان نیز اسلام است که می‌توان این مرجع را در بعد ذهنی امنیت قرار داد. اما در حوزه و ابعاد عینی مرجع امنیت، ایشان جمهوری اسلامی را نمود عینی اسلام می‌دانند و بر تأمین امنیت آن تأکید دارند و در

مراتب بعدی بر تأمین امنیت نهادهای دولت اسلامی تأکید می‌کنند. ولایت فقیه به عنوان ستون جمهوری اسلامی، قوای سه‌گانه و نهاد روحانیت از مراجع دیگر در این بخش هستند و در سطح سوم، مردم به مثابه پایگاه اجتماعی در نظام سیاسی اسلام، مدنظر امام راحل می‌باشد که ایشان برای مردم اهمیت زیادی قائل هستند و تأمین حوائج و نیازهای آنها را در کنار رفع تهدیدات پیش رو یکی از وظایف نظام سیاسی می‌دانند.

منابع و مأخذ

۱. آدمی، علی و دیگران، ۱۳۹۰، «الزامات گذار به امنیت ملی پایدار»، فصلنامه دانش سیاسی، سال هفتم، پائیز و زمستان، شماره ۱۴.
۲. افتخاری، اصغر و قدیر نصری، ۱۳۸۳، روش و نظریه در امنیت پژوهی، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۳. افتخاری، اصغر، ۱۳۸۱، مراحل بنیادین اندیشه در مطالعات امنیت ملی، تهران، مطالعات راهبردی.
۴. امام خمینی، سید روح‌الله، ۱۳۷۵، ولایت فقیه، حکومت اسلامی، تهران، امیرکبیر.
۵. _____، ۱۳۷۷، اقتصاد در اندیشه امام خمینی علیه السلام، تبیان آثار موضوعی، دفتر چهل و ششم، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
۶. _____، ۱۳۷۷، شرح حدیث جنود عقل و جهل، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
۷. _____، ۱۳۸۵، صحیفه امام، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
۸. _____، بی‌تا، البیع، ج ۲، قم، اسماعیلیان.
۹. _____، ۱۳۶۸، وصیتنامه سیاسی الهی امام خمینی علیه السلام، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۱۰. امیرخانی، کاوه، ۱۳۹۰، «مکتب امنیتی امام خمینی علیه السلام»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال چهاردهم، زمستان، شماره ۴ (پیاپی ۵۴).

۱۱. بخشی، احمد، ۱۳۸۸، «چارچوبی برای تدوین نظام امنیت انسانی در غرب آسیا»، در *امنیت انسانی در غرب آسیا*، محمدرضا مجیدی و احمد خامسان، تهران، پژوهشگاه مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
۱۲. پرهیزکار، غلامرضا، ۱۳۹۰، «درآمدی بر مفاهیم مرتبط با نظریه اسلامی امنیت»، *فصلنامه معرفت سیاسی*، سال سوم، پائیز و زمستان، شماره ۶.
۱۳. پورسعید، فرزاد، ۱۳۸۹، «مرجع امنیت در کنش گفتاری امام خمینی علیه السلام»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، سال سیزدهم، پائیز، شماره ۳ (پیاپی ۴۹).
۱۴. تریف، تری و دیگران، ۱۳۸۳، *مطالعات امنیتی نوین*، ترجمه علیرضا طیب و وحید بزرگی، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۱۵. تقی‌لو، فرامرز و علی آدمی، ۱۳۸۹، «امنیت و پیش‌ارزش‌های آن در اندیشه سیاسی اسلام»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، سال سیزدهم، زمستان، شماره ۴ (پیاپی ۵۰).
۱۶. خسروی، علیرضا، ۱۳۹۱، *مکتب امنیتی امام خمینی علیه السلام*؛ (مبادی و مبانی فرانظری و نظری امنیت در گفتمان انقلاب اسلامی)، تهران، ابرار معاصر.
۱۷. ربیعی، علی، ۱۳۸۷، *مطالعات امنیت ملی*، تهران، انتشارات وزارت امور خارجه.
۱۸. رجبی‌پور، محمود، ۱۳۸۴، «درآمدی بر عوامل مؤثر بر احساس امنیت»، در *امنیت عمومی و پلیس*، ج ۲، تهران، دانشگاه علوم انتظامی ناجا.
۱۹. ره‌پیک، سیامک، ۱۳۸۷، *مفهوم و اجزای یک نظریه امنیتی*، تهران، دانشگاه عالی دفاع ملی.
۲۰. سلیمانی، فاطمه، ۱۳۸۹، «نسبت مصلحت و امنیت در فقه سیاسی شیعه»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، سال سیزدهم، زمستان، شماره ۴ (پیاپی ۵۰).
۲۱. شاه‌حسینی، حسن، ۱۳۷۶، «امنیت در فلسفه سیاسی اسلام»، در *توسعه و امنیت عمومی*، ج ۱، تهران، سازمان عقیدتی سیاسی نیروی انتظامی ج.ا.ایران.
۲۲. صادقیان، سید جلال، ۱۳۸۴، «درآمدی بر امنیت و ابعاد و گستره آن»، در *امنیت عمومی و پلیس*، ج ۲، تهران، دانشگاه علوم انتظامی ناجا.

۲۳. عبدالله خانی، علی، ۱۳۸۹، *نظریه های امنیت*، تهران، مؤسسه ابرار معاصر.
۲۴. عسگری، محمود، ۱۳۸۲، «رہیافت های شناخت شناسی امنیت»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، سال ششم، شماره بیستم، تابستان.
۲۵. عصاریان نژاد، حسین، ۱۳۸۸، *نظریه امنیت در جمهوری اسلامی ایران*، تهران، دانشگاه عالی دفاع ملی.
۲۶. عطارزاده، مجتبی، ۱۳۸۷، «امنیت مداری در رویکرد سیاست خارجی امام خمینی علیه السلام»، *فصلنامه دانش سیاسی*، سال چهارم، پائیز و زمستان، شماره ۲ (پیاپی ۸).
۲۷. قربی، سید محمدجواد، ۱۳۹۰، «معناشناسی امنیت نرم؛ راهکارهای تحقق امنیت نرم برای ج.ا. ایران»، *دوماهنامه اطلاعات راهبردی*، آذر و دی ماه، شماره ۱۱۳.
۲۸. کریمی، علی و اکبر بابایی، ۱۳۹۰، *امنیت ملی از منظر امام خمینی علیه السلام*، تهران، مطالعات راهبردی.
۲۹. کلمنتس، کوین، ۱۳۸۴، «به سوی جامعه شناسی امنیت»، ترجمه محمدعلی قاسمی، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، سال هشتم، تابستان، شماره ۲ (پیاپی ۲۸).
۳۰. مجردی، سعید، ۱۳۹۱، «رویکردی نظری به پیامدهای اجتماعی - فرهنگی توسعه اینترنت بر امنیت اجتماعی در ایران»، *در میانی و مسائل امنیت اجتماعی؛ رویکردی ایرانی*، به کوشش اصغر افتخاری، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۳۱. نصری، قدیر، ۱۳۹۰، «تأملی نظری در یافته ها و دشواری های باری بوزان در بررسی امنیت»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، سال چهاردهم، زمستان، شماره ۴ (پیاپی ۵۴).
۳۲. نویدنیا، منیژه، ۱۳۸۸، *امنیت اجتماعی*، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۳۳. ولی پور زرومی، سید حسین، ۱۳۸۳، *گفتمان های امنیت ملی در جمهوری اسلامی ایران*، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۳۴. یزدانی، عنایت الله و زهرا صادقی، ۱۳۸۹، «امنیت اجتماعی و تأثیر آن بر امنیت ملی ایران»، *دوماهنامه مهندسی فرهنگی*، سال چهارم، فروردین و اردیبهشت، شماره ۳۹ و ۴۰.

35. Terriff, Terry, 1992, *Security Studies Today*, USA, Blackwell.
36. Lippman, Walter, 1973, *Cold war*, U.S.A, Joammed Colter Books.
37. Morgan, Patrick M, 1992, "Safeguarding Security Studies", *Arms Control*, December, Voll 13, No. 3.
38. Buzan, Barry, 1997, *People, States And Fear: An agenda for International Security studies in the post war era*, Second edition, boulder, co: Lynne Rienner.
39. Frank, N. Treager and Frank L. Simone, 1973, "An Introduction To The Study of national Security", In *National Security and American Society*, Lawrence, University Prees Of Kansas.